

تشکلات مستقل کارگری و حزب

سؤال: یکی از مسائلی که بسیار اهمیت داشته و باید به آن پرداخت، نقطه نظرهای مختلف در رابطه با ایجاد تشکل های مستقل کارگری و حزب پیشتاز انقلابی است. عده ای معتقدند که حزب کمونیست یا حزب پیشتاز انقلابی و یا حزب کارگران انقلابی ایران از درون تشکلات کارگری بیرون خواهد آمد. تشکلات کارگری که از گرایشات مختلف جنبش کارگری مثل آتارشیست ها، آنارکوسندیکالیست ها، سوسیالیست ها، کمونیست ها و دیگر اقلشار طبقه کارگر تشکیل شده اند و خود را در درون یکسری تجمعات متشکل می کنند. این عده معتقدند که این تشکلات کارگری در ابتدا بصورت فراگیر بوجود آمده و سپس از درون این تشکلات فراگیر حزب پیشتاز انقلابی بیرون خواهد آمد. نظر شما در این مورد چیست؟

در مورد طبقه کارگر و غریزه کارگران به سمت و سوی وحدت علیه سرمایه داری باید تأکید کنم که این انگیزه، این غریزه همواره درون طبقه کارگر بوده و هم چنان باقی خواهد ماند. زیرا که طبقه کارگر اصولاً در صدد یافتن متحدین ضدسرمایه داری خود است و واضح است که در شرایط خاصی اتحادهایی بر اساس فعالیت های مشترک علیه سرمایه داری بین اقلشاری که مرتبط به طبقه کارگر هستند و نظرات متفاوت از همدیگر دارند شکل خواهد گرفت. به عنوان مثال کمونیست ها، سوسیالیست ها، آتارشیست ها، چپ های لیبرال و انواع و اقسام گرایش هایی که غریزه ضدسرمایه داری دارند و مخالف این دولت هستند. اصولاً این اقلشار می توانند حول یک سلسله مطالبات ضدسرمایه داری با همدیگر وحدت کنند و این را ما یک «جبهه واحد کارگری» می نامیم که از گرایشات مختلف شکل گرفته و حول مطالباتی

که ماهیت رژیم سرمایه داری را زیر سوال می برد مثل مطالبات: کنترل کارگری، کنترل بر تولید و توزیع و همچنین مطالبات دیگری که در جلسه گذشته به آن اشاره کردیم مانند افزایش دستمزدها متناسب با تورم و غیره....

بنابراین اتحاد طبقه کارگر و اتحاد گرایش های مختلف در درون طبقه کارگر که طرز تفکر و برنامه های متفاوتی دارند امری طبیعی و ضروری است که چنین جبهه ای و اتحاد عملی شکل بگیرد. بدلیل اینکه هم جبهه قوی تری از مبارزات سرمایه داری را تقویت کند و هم اینکه در درون این جبهه مبارزات سیاسی مابین عقاید مختلف صورت گیرد. اما از این غریزه، از این اتحاد عمل، این استنتاج را کردن که این تشکل، نهاد و یا این جبهه واحد الزاماً به یک حزب سیاسی یا به حزب پیشتاز انقلابی منجر خواهد شد اشتباه محض است. به این علت که حزب پیشتاز انقلابی اصولاً بر محور برنامه انقلابی مشخصی با یک سلسله افراد و گرایش هایی که در درون طبقه کارگر خواهان استقرار حکومت کارگری هستند، خواهان تشکیل جمهوری شورایی هستند و خواهان ساختن نظام سوسیالیستی هستند باید شکل بگیرد.

این گرایش های نظری، کمونیست هایی هستند که از درون طبقه کارگر بیرون آمده و نه تنها اعتقاد به مبارزه برای حقوق دموکراتیک طبقه کارگر دارند، نه تنها اعتقاد به مبارزه برای حقوق صنفی طبقه کارگر دارند، بلکه به مبارزه علیه کل نظام سرمایه داری نیز اعتقاد دارند. از این نقطه نظر در درون طبقه کارگر در دورانی که حکومت بورژوایی استیلای خودش را در جامعه مستقر کرده، این ناهمگونی در طبقه کارگر وجود خواهد داشت و واضح است که گرایش های مختلف نمی توانند در درون یک حزب پیشتاز انقلابی منسجم به فعالیت مشترک دامن بزنند. علت این مسأله این است که ایدئولوژی حاکم بر جامعه ما، ایدئولوژی هیأت حاکم است. هیأت حاکم و دولت سرمایه داری از طرق مختلف در درون طبقه کارگر رخنه می کنند و عقاید بورژوایی و خرده بورژوایی را در درون این طبقه تقویت می نمایند و حزبی که ما

می خواهیم بوجود بیاوریم از درون یک تشکل مستقل کارگری و یا یک تجمع که اتحادی از گرایش‌های مختلف است نمی تواند بوجود آید. این حزب باید جدا از این تشکل مستقل بوجود آید.

این ناهمگونی در واقع ناهمگونی خواهد بود که جامعه ما تا دوران اعتدالی انقلابی و سرنگونی نظام سرمایه داری با آن روبرو است. گرایش های مختلف فکری در درون طبقه کارگر تقویت می شوند و گرایش های خرده بورژوازی و حتی گرایش های مماشات جو که در حال آشتی طبقه کارگر و با دولت سرمایه داری هستند شکل می گیرند. حزب پیشتاز انقلابی واضح است که بطور خودبخودی و بطور طبیعی از درون یک تشکل ناهمگون نمی تواند بوجود آید. کادرهای این حزب باید کادرهای جدی، متعهد و کمونیست باشند. کسانی که فعالیت و مبارزه را تا به آخر، تا انتها، تا سرنگونی نظام سرمایه داری و استقرار جمهوری شورایی پیش می برند.

ما نمی توانیم در درون حزب پیشتاز انقلابی با گرایشاتی که مماشات جو هستند وحدت تشکیلاتی داشته باشیم چون اینها اولین خنجرها را به پشت طبقه کارگر خواهند زد. در واقع حزب پیشتاز انقلابی باید تدارک انقلاب را ببیند و باید منسجم باشد چه از نقطه نظر سیاسی، چه از نقطه نظر برنامه ای و چه از نقطه نظر عقیدتی و از این لحاظ ضمن اینکه حزب پیشتاز انقلابی در محور و در دل مبارزات طبقه کارگر و مبارزه در جهت تشکیل تشکل های مستقل کارگری است، در عین حال باید خودش را از لحاظ تشکیلاتی کاملاً مستقل از این تشکل کارگری سازمان دهد.

اضافه بر این باید ذکر شود که در دوران تدارکات، در دوران ماقبل از سرنگونی رژیم، واضح است که دولت سرمایه داری بیکار نخواهد نشست. آنها عناصر جاسوس و پلیسی خود را در درون تشکل های علنی کارگری خواهند فرستاد که از امر دخالت گری طبقه کارگر جلوگیری بکنند و از این لحاظ حزب پیشتاز انقلابی نمی تواند برای دخالت گری در درون تشکیلات علنی خودش را منحل بکند. حزب

پیش‌تاز انقلابی باید کاملاً جدا از این تشکل علنی، که دولت سرمایه داری جاسوسان و پلیس خود را به درون آن می‌فرستد سازمان دهد. در غیر این صورت در هر زمانی، در هر لحظه ای و در هر مقطعی که امر سازمان دهی طرح می‌شود (برای نمونه سازماندهی یک اعتصاب ساده، سازماندهی اشغال یک کارخانه) بلافاصله این حرکت توسط پلیس مسدود خواهد شد. رهبران اصلی کارگری دستگیر خواهند شد و هیچ‌گاه اعتصاب و اشغال کارخانه‌ها و امر کسب اعتماد به نفس در درون طبقه کارگر تحقق پیدا نخواهد کرد. در نتیجه باید یک تشکل مخفی و سیاسی و منسجم بوجود آید که این کارها را سامان دهد. هم مصونیت این تشکیلات را از عقاید رفرمیستی تضمین کند و هم اینکه خودش را از ورود عناصر جاسوس و پلیس که امر سازماندهی را معمولاً مسدود می‌نماید جدا نماید.

سوال: وقتی که مسأله سازماندهی مخفی مطرح می‌شود، دو مسأله عمده در دستور کار قرار می‌گیرد. یکی دموکراسی تشکیلاتی و دیگری بوروکراتیزه شدن سیستم تشکیلات. احزاب مختلف کمونیستی و سوسیالیستی با توجه به تجربیاتی که در گذشته داشته‌اند، زمانی که سازماندهی مخفی را صورت می‌دهند با این دو مسأله برخورد داشته‌اند. شما در این مورد چگونه مکانیزمی را پیشنهاد می‌کنید که ضمن اینکه حزب پیش‌تاز انقلابی سازماندهی مخفی خود را صورت می‌دهد بر این مشکلات هم فائق آید.

در ابتدا باید ذکر کرد که برخی از فعالین جنبش کارگری اصولاً با کار مخفی مخالف هستند و علت این است که آنها تصور می‌کنند که کار مخفی متعلق به یک سازمان چریکی یا کسانی هست که در گذشته خانه‌های تیمی خود را تشکل می‌دادند و جدا از طبقه کارگر شروع به فعالیت می‌کردند. آنها تصور می‌کنند که کار مخفی در واقع متعلق به گروه‌هایی است که بطور قیم‌مآبانه قصد دارند «آگاهی را از بیرون به درون طبقه کارگر» تزریق کنند ضمن اینکه اصولاً ارتباطی با طبقه کارگر ندارند. لذا از این نقطه نظر این گروه‌ها با هرگونه تشکل مخفی طبقه کارگر مخالفند. به اعتقاد

من گرچه این عکس العمل و اکنش صحیحی است. منتهی فاقد تحلیل سیاسی می باشد. ما وقتی صحبت از این می کنیم که حزب پیشتاز انقلابی باید یک سازمان مخفی باشد، مفهوم آن این نیست که این تشکل جدا از طبقه کارگر است. مفهوم آن این نیست که اینها به فعالیت های چریکی می خواهند دامن زنند. بلکه مفهوم آن این است که برای مصونیت از نفوذ عقاید فرمیستی و جاسوسان رژیم این تشکیلات باید مخفی صورت بگیرد اما در عین حال باید در دل طبقه کارگر باشد.

مسئله مهم دیگر این است که دموکراسی کارگری باید در حزب پیشتاز انقلابی اعمال گردد. یعنی اینکه عقاید و گرایش های مختلف باید حق ابراز نظر را داشته باشند. واضح است که در درون حزب پیشتاز انقلابی مانند هر پدیده دیگری اعتقادات و عقاید مختلف در مقابل همدیگر صف آرایی خواهند کرد. اختلافات در مورد تاکتیک ها و در مورد دخالت ها در جنبش کارگری بروز می کند. بنابراین این تشکیلات در واقع باید از دموکراسی کامل برخوردار باشد. دموکراسی که اجازه می دهد نظرات مختلف، گرایش های مختلف بوجود آیند و آن نظرگاهی که در اکثریت قرار گرفته برای دوره ای مورد اجرا قرار خواهد گرفت. از این نقطه نظر، نظرات اقلیت، محترم شمرده شده و حتی به شکل علنی در سطح جامعه طرح می شود. بنابراین این تشکیلات در واقع هرگز نباید جلوی نظرات مخالف را سد نماید.

سوال: اتفاقاً سوال من بر سر همین مسأله می باشد. تضادی که در اینجا بوجود می آید این است که سازمان های مخفی جنبش کارگری و یا حزب که می خواهند کار مخفی را سازمان دهند، و برای اینکه دموکراسی به این شکل وسیع که شما در صحبت های خود به آن اشاره کردید بتواند اعمال گردد در صورت لزوم نیاز به رفتن ها و رای گیری داشته تا افراد و کارگران بتوانند نمایندگان خودشان را انتخاب نمایند و همه اینها در شرایطی که اختناق وجود دارد غیرممکن است. بحث بر سر همین مسأله است که دموکراسی که از آن صحبت می کنیم در داخل حزب پیشتاز

انقلابی، در درون تشکلات کارگری پیشرو که به صورت مخفی کار می کنند چگونه امکان پذیر است؟

بسیار سوال بجا و درستی است. به نظر من در وحله اول باید تأکید کنیم که حزب پیشتاز انقلابی حزب توده های کارگر نیست. حزبی نیست که در شرایط کنونی دربر گیرنده اکثریت کارگران باشد. این حزب در واقع حزب پیشرو کارگری کمونیستی است. یعنی حزبی است که متشکل از کسانی است که در صف رهبری طبقه کارگر در دوره گذشته قرار گرفته و اعتقاد به عقاید کمونیستی پیدا کرده اند. بنابراین تا ظهور دوران اعتدالی انقلابی تعداد اینها بسیار معدود خواهد بود. ما اعتقاد به ساختن یک حزب توده ای داریم. حزب کمونیست ایران به مفهوم یک حزب توده ای که کل طبقه را بسیج می کند باید بوجود آید. منتها این حزب در دوران اعتدالی انقلابی بوجود خواهد آمد. دورانی که تمام عصاره و ساختارهای تشکیلاتی دولت سرمایه داری در حال فروپاشی است. منتهی تا آن زمان این حزب متشکل از اقلیتی از طبقه کارگر است. از طرف دیگر باید این را ذکر کرد که تجربه حداقل دو دهه گذشته در داخل ایران نشان داده که تشکلاتی مانند محافل کارگری در گذشته در ایران بوجود آمده و این محافل کارگری متشکل از کارگران پیشرویی بوده اند که ساختارهای تشکیلاتی ایجاد کرده و توانستند امر سازماندهی در درون طبقه کارگر را انجام دهند. ضمن اینکه مخفی باقی مانده و از لحاظ فکری نیز سیاسی و کمونیست باقی ماندند.

در نتیجه، ما این تجارب در دو دهه گذشته در داخل ایران را داریم. اعتصاب های بیشماری که در دو دهه گذشته در داخل ایران انجام شده واضح است که پشت سر اینها پیشرو کارگری قرار داشته، سازماندهی بوده است. شعارهای مشخصی که در اعتراضات ضد جنگ، در اعتراضات کارگری داده شد اینها نشان دهنده این است که این تعرضات همه خودجوش و خودانگیخته نبوده و بسیاری از آنها سازماندهی شده و ما امروز می دانیم که محافل کارگری بیشماری در داخل ایران شکل گرفته اند و به صورت مخفی تا کنون فعالیت ها را سازمان داده اند. نشریه انتشار داده اند، اطلاعیه

بیرون داده اند و در درون کارخانه ها فعالیت کرده اند و کمونیست باقی مانده اند بدون اینکه دستگیر شوند. بنابراین ما یک چنین تجربه ای را پشت سر داریم. این مسأله از این جهت حائز اهمیت است که ما این تجارب را به درون حزب پیشتاز انقلابی آورده تجارب فعالیت مخفی، دموکراتیک و هم چنین تأثیر گذار را در اختیار خواهیم داشت.

بحثی که امروز اینجا مطرح می شود این است که اگر این محافل کارگری، بطور رسمی در درون حزب پیشتاز انقلابی متشکل گردند چگونه از ناهنجاری های بوروکراتیک در درون خودشان رها شده و در یک ساختار تشکیلاتی دموکراتیک فعالیت خواهند کرد. واضح است که مسأله رأی گیری در دوران اختناق دشوار خواهد بود اما امکان پذیر است. رأی گیری عناصر متعهد و جدی در درون طبقه کارگر و توافق بر سر سیاست ها با وجود اینکه مشکل است اما عملی می باشد. از طرق مختلف و اشکال مختلف، نظرات می تواند در درون یک تشکیلات منعکس شود و به آرای مبارزین و فعالین آن سازمان گذاشته شود. این سازمان می تواند از جانب خودش رهبری انتخاب کند و این رهبری بین دو تجمع سازمان می تواند از طریق هسته های مختلف سازمان پیدا کند، هسته های کوچک مخفی که ارتباطات ارگانیکی از طریق سازمانده ها با یکدیگر دارند. این تشکیلات اسناد درونی می تواند داشته باشد. بولتن درونی سیاسی می تواند داشته باشد و در واقع اعضای این سازمان می توانند به نظرات یکدیگر واقف باشند و هم چنین نظرات را به هم دیگر منتقل نمایند و از طریق ایجاد مرکزیتی در درون خود و رهبری در درونشان، بین دو کنفرانس، تصمیم گیری کرده و فعالیت هایشان را سازمان دهند. این تجربه محافل کارگری در داخل ایران بوده و باید مورد استفاده قرار گیرد و همچنین تجربه تشکیل احزاب مشابه در کشور های دیگر مانند کشورهای نظیر امریکای لاتین وجود دارد که از این تجارب هم می توان استفاده کرد.

سئوال: شما در صحبت های خود اشاره کردید اگر تشکلات کارگری می خواهند به بوروکراسی دچار نگردند باید خودشان را در قالب حزب پیشتاز انقلابی سازمان دهند. لطفاً توضیح دهید این بوروکراسی که شما از آن صحبت می کنید چگونه است که یک تشکل کارگری اگر سعی در متشکل شدن در حزب پیشتاز انقلابی و ایجاد نطفه های اولیه حزب پیشتاز را ننماید امکان مبتلا شدن به آن را دارد؟

همانطور که اطلاع دارید واضح است که در ابتدا محافل کارگری براساس اعتماد به یکدیگر شکل می گیرند. نه از طریق وحدت به دور یک برنامه سیاسی و یا یک تجربه مشخص عملی. بلکه براساس اعتماد افرادی که در دوران فعالیت شان در درون کارخانه ها و یا حتی ارتباطات خانوادگی و غیره، شناسایی قبلی از همدیگر داشته و برای فعالیت مشترک ضدسرمایه داری در درون کارخانه ها به دور همدیگر جمع می گردند.

عمدتاً محافل کارگری در دوره گذشته به این شکل در داخل ایران شکل گرفته اند. از این نقطه نظر و بدلیل اعتماد مابین افراد، این تشکل ها، این نهادهای کوچک ضربه پذیری بسیار کمتری از تشکل های بزرگ و احزابی که در دوره انقلاب گذشته بوجود آمده اند؛ خواهند داشت؛ و این امر است که به این فعالین کمک کرده که آنها به فعالیت خود تداوم دهند. اما در درون این محافل کارگری از آن جایی که مسأله تصمیم گیری براساس همین روابط فردی و اعتماد متقابل شخصی صورت می گیرد، اصولاً پس از طی دوره ای و بخصوص در دورانی که گشایش هایی در جامعه ایجاد می شود، این محافل می توانند به محافلی بوروکراتیک مبدل گردند. و اختلاف های شدید و عمدتاً غیرسیاسی منجر به از هم پاشی آنها می گردد.

به این مفهوم که یک یا دو نفر از فعالینی که در صدر کار قرار گرفته اند و رابط بین اعضای این محفل هستند بدلیل وجود اختناق بجای کل این محفل می توانند تصمیم بگیرند و هم چنین در واقع این تشکیلات به شکل تشکیلاتی که حول یک نفر شکل می گیرد می تواند سازماندهی پیدا کند و آن شخص بنا به آگاهی های فردی و

سلیقه های شخصی خود سازماندهی را انجام دهد. در درون جامعه ایران در دوره آتی امکان دارد گشایش های مختلفی ایجاد گردد بطور مثال می بینیم که گرایش هایی از جامعه بورژوایی اروپایی و غربی و هم چنین سازمان بین المللی کار خواهان این هستند که سندیکاهای کارگری یا اتحادیه های کارگری در داخل ایران ایجاد کنند و قوانین کار را مترادف با قوانین بین المللی نمایند.

هم چنین ماهیت رژیم یک ماهیت مرتبط به سازمان های بین المللی و امپریالیستی خواهد شد و این روزنه هایی باز خواهد کرد البته نه از روی خواسته های دولت سرمایه داری بلکه از روی قوانینی که بر دولت سرمایه داری تحمیل می شود. به این ترتیب از درون این روزنه ها گرایش هایی شروع به حرکت می کنند، تحولاتی در درون طبقه کارگر رخ می دهد که این محافل را در شکل قبلی خود پذیرا نخواهد بود. این محافل باید بسیار فراتر از این اشکال سازماندهی روند. این محافل باید ارتباطات تنگاتنگی با هم برقرار کنند. این محافل باید فعالیت ها را هماهنگ سازند و امر دخالت گری در اتحادیه های کارگری، در سندیکاهای کارگری که در آینده ایجاد می گردد سازمان دهند. این محافل باید پیشنهادات ایجاد تشکل های مستقل رادیکال را مطرح نمایند. در نتیجه وجود محافل متفرق از همدیگر دیگر کافی نیست. اینها در واقع باید درون یک تشکیلات واحد بشکل دموکراتیک عمل کنند تا نظرگاه ها صرفاً نه از طریق یک یا چند نفر بلکه به شکل جمعی در سطح فعالین این حزب اعمال گردد. بنابر این به اعتقاد من در دوره آتی نزدیک، دوران محافل کارگری متفرق جدا از هم و مرتبط از طریق روابط فردی و شخصی پایان خواهد پذیرفت و در دوره آتی تجمعاتی که در این محافل هستند باید کوشش کنند که در یک تشکیلات سراسری که براساس یک بنیاد دموکراتیک ایجاد می شود و ما نام آن را حزب پیشتاز انقلابی گذاشته ایم خود را متشکل کنند و بشکل دموکراتیک فعالیت های جنبش کارگری را در قشرهای مختلف آن سازمان دهند.

سئوال: از تشکلات توده ای کارگری صحبت کردید و گفتید که گرایش های مختلفی در آن وجود دارند مانند آنارشویست ها، آنارکوسندیکالیست ها، سوسیالیست ها و غیره... سئوال این است چرا با این ترکیبی که نام بردید نمی توان حزب پیشتاز انقلابی را ساخت؟

علت آن بسیار واضح است. این گرایشات با نظرگاه های متفاوتی و با اهداف متفاوتی وارد مبارزه ضددولتی می شوند، مانند گرایش های چپ لیبرال و چپ مذهبی که در داخل ایران حضور دارند. اینها هم گرایشاتی ضددولتی هستند. مانند جبهه دموکراتیک مردم به رهبری طبرزدی و غیره... این افراد و گرایشات گرچه در شرایط کنونی گرایشاتی ضددولتی هستند، گرچه رهبران شان دستگیر می شوند و در زندان ها بسر می برند و تحت شکنجه قرار می گیرند اما مطالبات آنها فراتر از مطالبات یک جامعه بورژوایی نخواهد رفت. اینها خواهان دموکراسی بورژوایی هستند اینها خواهان ایجاد یک سلسله آزادی های اجتماعی عمومی می باشند.

از سوی دیگر گرایشاتی وجود دارند مانند گرایشات سندیکالیست که خواهان مبارزه حول مطالبات صرفاً صنفی کارگران هستند. خواهان گرفتن مطالبات صنفی طبقه کارگر هستند. از سوی دیگر گرایش های کمونیست، گرایش های سوسیالیست انقلابی نه تنها خواهان دموکراسی هستند، یعنی خواهان تحقق مطالبات دموکراتیک طبقه کارگر و خواهان تحقق مطالبات صنفی بوده بلکه فراتر از این رفته و خواهان این هستند که در درون طبقه کارگر اعتماد به نفس ایجاد شود، که طبقه کارگر خود را برای ایجاد یک حکومت متکی به خود و اکثریت قشرهای تحت ستم آماده کند. بنابر این مطالبات این عده، مطالبات سوسیالیست های انقلابی و کمونیست ها فراتر از مطالبات اقشار مذهبی و چپ لیبرال و یا سندیکالیست خواهد رفت.

از این نقطه نظر و از آنجا که اینها اهداف و چشم اندازهای متفاوتی دارند، واضح است که در درون یک حزب واحد و یک حزب پیشتاز انقلابی نمی توانند جا بگیرند. ولی می توانند با یکدیگر اتحاد عمل داشته باشند. می توانند با هم بر سر مسأله

خاصی مثلاً در مورد مسائل دموکراتیک، مسائل صنفی و مسائل سیاسی با هم مشترکاً علیه سرمایه داری مبارزه کنند. می توانند جبهه متحد کارگری با گرایشات مختلف داشته و با احترام به گرایش ها و عقاید یکدیگر مسائل خود را پیش برند. اتحاد عمل حول چنین مسائلی عملی است. چون اتحاد عمل در واقع برای یک منظور خاص و برای یک فعالیت خاص مانند یک فعالیت ضدسرمایه داری و یا فعالیت ضددولتی شکل می گیرد.

اما حزب پیشتاز انقلابی برای تدارک ایجاد حکومت شورایی و سرنگونی نظام سرمایه داری شکل می گیرد و از این نقطه نظر است که این دو نوع تشکیلات با هم متفاوت هستند. افرادی هم که در این دو تشکلات فعالیت می کنند نیز از لحاظ سیاسی و برنامه ای با یکدیگر متفاوتند. در درون حزب پیشتاز انقلابی تنها افرادی می توانند متشکل شوند که هدف نهایی را دنبال می کنند و به آن اعتقاد دارند. یعنی اعتقاد به تشکیل حکومت شورایی و سرنگونی نظام سرمایه داری از طریق اعتصاب عمومی در سطح جامعه. این حزب پیشتاز انقلابی باید متشکل از سوسیالیست های انقلابی و کمونیست ها باشد و با گرایش های چپ لیبرال، مذهبی، سندیکالیست ها و آنارشویست ها نمی توان این اهداف را دنبال کرده و به آن دسترسی پیدا کنند.

سوال: شما از حزبی صحبت کردید که در شرایط اختناق در شرایطی که استبداد نهادینه شده در اقلیت قرار دارد و این حزب قرار است که در شرایط انقلاب در شرایط اعتلای انقلابی به اکثریت رسد تا بتواند اکثریت طبقه کارگر را در خودش متشکل و سازماندهی کند. در حال حاضر احزاب و سازمان ها با عناوین مختلف کارگری، سوسیالیستی، تشکیل شدند، چرا ما نباید به طبقه کارگر پیشنهاد کنیم که بجای ساختن مجدد تشکلات و احزاب مربوط به خود به این احزاب و تشکلات فعلی بپیوندند و اصولاً چه تفاوت هایی بین احزاب موجود کنونی و حزبی که شما از آن صحبت وجود دارد؟

در حله نخست احزاب موجود، احزاب سنتی و همچنین احزابی که به اصطلاح از این احزاب سنتی گسست کرده اند، ولی کاریکاتوری از این احزاب به وجود آورده اند؛ و هم چنین کسانی که مشغولیات فکری آنها در دو دهه گذشته این بوده که تجمعات و هماهنگی هایی و اتحادهایی ایجاد کنند و در واقع خواهان ایجاد احزابی همانند احزاب سنتی بوده و هستند، تفاوت اصلی شان با حزب پیشتاز انقلابی که در ایران قرار است بوجود آید؛ این است که اینها فاقد پایگاه اجتماعی میان طبقه کارگر هستند. یعنی احزاب و تشکیلات و تجمعاتی که بوجود آورده اند و یا قصد دارند در آتیه بوجود آورند جدا از پیشرو کارگری. اینها هیچ توجهی به مسائل و حتی حضور پیشرو کارگری در درون طبقه کارگر نمی کنند و بشکل قیم مآبانه و از بالا به ساختن حزب و تشکیلات خود مبادرت ورزیده اند. در صورتی که حزب پیشتاز انقلابی مورد نظر ما از درون طبقه بوجود خواهد آمد از درون پیشرو کارگری و از درون کارگر روشنفکرانی که به عنوان رهبران عملی طبقه کارگر در دو دهه گذشته شناخته شده اند و به دور یک برنامه انقلابی گرد خواهند آمد.

این یکی از وجوه تمایز اساسی و اولیه احزاب موجود و حزب مورد نظر ما است. وجه تمایزات دیگری که وجود دارد و باید ذکر نمود، یکی برنامه این احزاب است. برنامه این احزاب دچار انحرافات و ناهنجاری های شدیدی می باشد. بسیاری از این احزاب اصولاً به مسأله ساختن حزب پیشتاز انقلابی اعتقادی ندارند و در حال تئوریزه کردن مماشات با بخش هایی از خرده بورژوازی و بخش هایی از بورژوازی هستند. نظریات اینها و برنامه های این احزاب جایگاه هایی برای مماشات با بخش هایی از بورژوازی، بخش هایی از اصلاح طلبان و یا حتی با سلطنت طلبان باز می نماید و این مغایر با برنامه ای است که طبقه کارگر از درون خود تدوین می کند. برنامه ای که کاملاً و بطور راسخ برنامه ای کارگری است و متحدین خود را از درون دهقانان فقیر، ملیت های تحت ستم، جوانان سوسیالیست و زنان سوسیالیست و مبارز خواهد یافت و متحدین شان هیچ گاه از متحدین طبقات متخاصم نخواهد بود.

نکته مهم دیگر مسأله آگاهی سوسیالیستی در درون این تشکلات است. احزاب موجود در واقع با یک روش کاملاً جامد نقل قول ها و مقالاتی را از احزاب مختلف گرفته و برنامه خود را نقداً تدوین نموده اند. مشخص نیست که این برنامه به چه کاری می خواهد پیروزد. برنامه ای که اینان تدوین نموده اند اگر از درون طبقه کارگر به بیرون تراوش نکرده باشد اصولاً جایگاهی در طبقه کارگر نخواهد داشت و کسانی که از مدافعین این احزاب هستند اصولاً اعتقادی به تنوری و نظریه های انقلابی ندارند و قصد آنان از تدوین این برنامه های خشک و جامد تحمیل آن به جنبش کارگری است.

در صورتی که کادرهایی که در درون حزب پیشتاز انقلابی متشکل می شوند همه آگاهانه به آموزش و یادگیری تمام متون مارکسیستی برای تدوین یک برنامه انقلابی در آینده خواهند بود. اینها خواهان این خواهند بود که در درون این تشکیلات دانش سوسیالیستی که یکی از ابزار و یکی از سلاح های مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری است تقویت گردد. کادرهای جوان کارگری با تجارب غنی مبارزات کارگری در سطح بین المللی آشنایی پیدا خواهند کرد. با تنوری های انقلابی آشنایی پیدا خواهند کرد و این تنوری ها را در عمل مبارزاتی صیقل خواهند زد و با سنجش، تجارب خود را منطبق با این تنوری های انقلابی می نمایند.

بنابراین دانش سوسیالیستی و کسب آگاهی سوسیالیستی در درون این حزب، یک روند کاملاً طبیعی و مرتبط به مسائل جنبش کارگری خواهد بود. در حالی که در درون احزاب سنتی موجود چنین روندی وجود ندارد. اینها وجوه اصلی تمایز این احزاب سنتی با حزب پیشتاز انقلابی که قرار است از دل طبقه کارگر بیرون آید می باشد.

با تشکر از شما رفیق م- رازی و شرکت تان در این بحث

با آرزوی موفقیت برای شما و تمام جوانان سوسیالیست انقلابی